

ادامه از صفحه یک

تماس‌های مستمری داشتیم و از طریق من بعد از انتخابات این تماس‌ها ادامه پیدا کرده بود که در یکی از این ملاقات‌هایی هم که ما داشتیم به‌همراه آقای الکس پین‌فیلد، با ایشان قبل از انتخابات راجع به مساله انتخابات و گرایش‌ها و این مسائل صحبت کردیم.»

وی (حسین رسام) همچنین می‌گوید: «من در طول مدت زمانی که برای سفارت انگلیس کار می‌کردم و از نزدیک با خلیقیات و روحیات و نیات آنها شناخت پیدا کردم، عملاً می‌توانم بگویم به این نتیجه رسیدم که دولت انگلیس درصددوبده‌به‌مرتب‌تان خودش القا کند که این انتخابات نقطه‌عطفی است برای کسانی که با نظام زایوه دارند تا آنها به این باور برسند که با اقدام موثر در این دوره انتخابات می‌توانند کشور را دچار تغییر ساختار یا حداقل تغییر رفتار بکنند و به آنها امید بدهند که در صورت بروز مشکل از حمایت‌های اروپایی‌ها و اتحادیه‌ی اروپا برخوردار شوند.» بنابراین به‌عنوان جمع‌بندی پاسخ این سوال می‌توانم بگویم هرچند شواهدی مبنی بر ارتباط مستقیم آگاهانه خود آقایان موسوی و کروبی با عوامل سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه وجود ندارد؛ اما اولاً این آقایان به‌طور کامل ذیل برنامه‌همین دولت‌ها و سرویس‌های بیگانه برای به پرتگاه کشاندن ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی حرکت کرده و همچون مزدور بی‌چیره و موجب عمل کردند؛ ثانیاً حضور میدانی برخی عوامل سرویس‌های غربی در حلقه نزدیک این آقایان

«فره‌یختگان» از رواج بیماری
برجام‌زدگی گزارش می‌دهدگریز ناگریز
از برجام

حال و هوای پراسترس و چشمان منتظر میلیون‌ها ایرانی به محل نشست مذاکرات دیپلمات‌های ایرانی و ۵+۱ در وین، لوزان وژنو، هنوز از یادها نرفته و چه بسیار کسانی که در آن هوای برجامی، قلم‌فرسایی کرده‌و آن را معبر عبور امن کشور به سوی ساحل آرامش نامیدند.

۲۰ روز دیگر، دومین سالروز اجرای تعهدات ۵+۱ در برجام است. ۲۶ دی ۱۳۹۴، طرف‌های مقابل در مذاکرات هسته‌ای براساس آنچه تعهد کرده بودند، موظف

به رفع تحریم‌های هسته‌ای و ایجاد سازوکارهایی برای برداشتن محدودیت‌های مالی و بانکی شدند. از آن روز تاکنون با وجود آنکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۹ گزارش جداگانه اجرای تعهدات ایران را در برجام تأیید کرده، ولی شاهد هستیم که در آن سوی ماجرا، کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا تعهدات خود را زیرپای گذاشته و حتی مدافعان برجام را نیز ناامید ساخته‌اند.

اولی‌تی به نام برجام در سیاست خارجی ایران

در حوزه تاریخ روابط بین الملل، تجربیاتی وجود دارند که می‌توانند به‌عنوان مثال‌هایی در حوزه سیاست بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرند؛ زمانی که ناپلئون بناپارت بدون توجه به قرارداد ۱۸۰۷ با روسیه برای عدم تعرض، در سال ۱۸۱۲ به این کشور لشکرکشی کرد و شکست مفتضحانه‌ای خورد تا هنگامی که بار دیگر هیتلر، رهبر آلمان نازی در سال ۱۹۴۰ همان اشتباه را تکرار کرد و در عملیات بارباروسا برخلاف تعهدات قبلی به شوروی حمله‌ور شد. از این دست رویدادها فراوانند و خبرنگاران سیاست خارجی همواره برای تأمین منافع ملی، نگاهی به تاریخ دارند. آنچه مقصود است روندی است که در بیش از یک‌سال اخیر در حوزه سیاست خارجی ایران تحت‌لوی‌ای برجام شکل گرفته است. سیاست خارجی فکه بیش از چهارسال درگیر مذاکرات هسته‌ای و سپس تحولات پسی‌برجام بوده و به نظر می‌رسد تا پایان عمر دولت دوازدهم نیز درگیر آن خواهد بود.

واقع‌گرایان در روابط بین‌الملل اصلی‌است که کشورها با اتکا به آن در پی تأمین منافع ملی خود هستند. دولت‌ها آنچه را در واقعیت وجود دارد باید بپذیرند، نه آن چیزی که دوست دارند. حال و روز دولت اعتدال به‌گونه‌ای است که آرزوهایش در فضای سیاست خارجی محقق نشده ولی با این وجود قصد ندارد از عدم تحقق آنها عقب‌نشینی کند. حال‌ادر کنار منتقدان برجام، مدافعان دیروز و دست‌اندرکاران آن، امروز به سازوکارها و نتایج به دست آمده نغذه‌های جدی دارند و شاید بتوان آن را شبیه تند‌ی نامید که از برجام‌زدگی به معنای اعتیاد به آن به برجام‌زدگی به معنای رهایی رسیده است.

حسن روحانی در خرداد‌سال ۱۳۹۵ که ماه‌های ابتدای برجام بود این‌گونه درباره برجام نظر می‌دهد: «قبل از برجام هر روز در انتظار بودیم که چه محدودیت، تحریم و معضل جدیدی برای ملت ایران ایجاد می‌کنند، اما اکنون هر روز یک گشایش جدید برای مردم حاصل می‌شود و این گشایش‌های شکرگزاری دارد که باید در سایه آنها، کار و تلاش بیشتری برای مردم انجام گیرد.» شاه‌بیت بسیاری از اظهارات مقامات دولتی درباره برجام نیز بر همین منوال یعنی گشایش‌ها و شکوفایی‌های اقتصادی و رفع تحریم‌ها بود؛ روحانی مردم را به شکرگزاری نسبت به دستاوردهای هر روزه برجام دعوت می‌کرد. وی در مراسمی عنوان کرده بود: «می‌گویند با برجام دولت برای

کاملاً روشن و اثبات‌شده است و این عناصر مرتبط ستادها و مواضع آقایان را جهت‌دهی می‌کردند. خبرنگار «فره‌یختگان» در ادامه این گفت‌وگو از حمیدرضا مقدم‌فر درباره عوامل و ریشه‌های فتنه ۸۸ پرسید. مقدم‌فر با اشاره به این نکته که جریان معاند جبهه حق دو مدل کلی را در طول تاریخ امتحان کرده است، خاطرنشان کرد: «یک مدل، همان مدل سنتی و تاریخی مقابله با جبهه حق است اما مدل جدید این پروژه همانی است که به «انقلاب‌های رنگین» یا مخملین معروف است.» این کارشناس مسائل سیاسی و فرهنگی می‌گوید: «مدل‌های یادشده تفاوت‌هایی در روش دارند اما در یک مساله دارای اشتراک راهبردی هستند و آن متمرکز کردن حملات و حمله‌ها علیه یک رهبری معنوی و الهی است. این موضوع در طول تاریخ در مواجهه سامری با حضرت موسی(ع) و سایر مقابله‌های دیگر مانند حملاتی که به پیامبر گرامی اسلام و ائمه‌اطهار انجام شد، قابل مشاهده است.»

اومی‌گوید هدف اصلی این حملات، ایجاد یک شکاف میان امام و امت است تا از این طریق شالوده یک نظام و مدل معنوی حکومتی فرو بریزد. مقدم‌فر تأکید می‌کند که در هر دوی این مدل‌ها اولاً نخبگان و مسئولان و خواص باید به عرصه فتنه کشانده شوند و ثانیاً نتیجه‌گیری کار در کف میدان و توسط مردمی که فریب خورده و مفتون شده‌اند، رقم بخورد.

او درباره این موضوع که طراحان این فتنه‌ها از چه روش‌هایی برای به میدان

دسترسی ایران به ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی‌های مسدود بوده و بانک‌های اروپایی نیز کماکان نگران نقض قوانین آمریکا و مواجه شدن با جریمه‌های سنگین هستند.

با وجود مذاکرات بعدی ظریف و جان کری اما، آنچه از شواهد امر پیدا بود، راهبرد اساسی آمریکا برای بی‌تأثیرکردن دستاوردهای برجام بود. تنها چند روز پس از مذاکرات وزرای خارجه ایران و آمریکا در اردیبهشت ۱۳۹۵، واشنگتن به بهانه حکم دیوان عالی آمریکا، دو میلیارد اموال ایران را به اتهام دست داشتن در قضیه انفجار مقر آمریکایی در بیروت سال ۱۹۸۳ و کشته شدن ۲۴۱ سرباز آمریکایی، بلوکه کرد. امری که با روی کار آمدن دونالد ترامپ با شیب تندتری در حال وقوع است و محدودیت‌ها و تحریم‌ها علیه ایران در هماهنگی با کنگره و سنایاتگران آن است؛ محدودیت‌ها و تحریم‌هایی که بارها از سوی مقامات ایران، نقض برجام ارزیابی شده است.

۲ن‌یست برجام در ۲ سالگی؟

هرچند در مقابل محدودیت‌ها و تحریم‌های جدید آمریکا و سنگ‌اندازی در مسیر برجام از سوی غرب، دولت‌مردان آن را با گزاره‌ای به نام «عدم نقض صریح برجام» یا «فاحش نبودن نقض» توجیه می‌کردند، ولی به‌ویژه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم، دیگر گریزی از اعتراف به واقعیات از سسوی مدافعان برجام باقی نماند و زبان‌ها از نقض آن می‌گویند و قلم‌ها نیز از بی‌حاصلی یا عدم‌موفقیت برجام می‌نویسند. در برآیند کلی باید این سوال اساسی مطرح شود که آیا مدافعان مذاکرات از نوع برجام، تجربیات جدید را به‌عنوان رویکرد اصلی در سیاست خارجی لحاظ خواهند کرد یا باید شاهد تحولاتی خارج از تجربیات برجام باشیم. حسن روحانی تجربه مذاکرات با تروئیکای اروپایی را نیز در سال ۱۳۸۲ داشته است؛ آنجانی‌خ خوش‌بینانه به دنبال راهی برای رفع نگرانی غرب از موقعیت هسته‌ای ایران بودیم. رئیس‌جمهور در صفحه ۱۵۴ کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای با «بدبین» دانستن کسانی که سال ۸۲ معتقد بودند موضوع هسته‌ای یک بهانه برای اروپا فشار به ایران است، می‌نویسد: «ذهنیت بدبینانه دیگری هم وجود داشت مبنی بر اینکه آمریکا همواره به دنبال تحریم ایران یا حتی حمله نظامی است و موضوع ذهنیت من این بود که با صبر و تحمل و حوصله و تدبیر، هم با آژانس می‌توانیم مسائل را حل کنیم و هم با اروپا می‌توانیم به نوعی توافق دست یابیم.» ولی نتیجه چیز دیگری بود. با وجود اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و توقف غنی‌سازی، پرونده هسته‌ای وارد ماریپج شورای امنیت سازمان ملل و در نتیجه اجماع بین‌المللی برای تحریم‌های ظالمانه شد.

تجربه مذاکرات هسته‌ای سال ۱۳۹۲ در حالی رقم خورد که این بار رئیس‌جمهور شکست نمی‌خواست. با تمامی موانع، برجام در سال ۹۴ به دست آمد تا شروعی باشد بر پایان تمامی تحریم‌های ظالمانه علیه ایران. ولی چرخ برجام در این دو سال روی پاشنه تخرخید و خاطرات تلخ بدعهدی‌ها بار دیگر تکرار شد. آمریکا و شرکایش، به‌هر بهانه‌ای دست را روی ماشه برجام گذاشته‌اند و با تصویب قوانینی، عملاً بی‌تأثیری رفع تحریم‌ها را به رخ ایران می‌کشند. به‌هر حال اگر سریع‌القلم توصیه می‌کنند باید مذاکرات جلدی آمریکا و چین توسط مذاکره‌کنندگان هسته‌ای مطالعه می‌شد، ولی به نظر می‌رسد می‌توان ده‌ها جلد مذاکرات ایران و غرب را در چند دهه اخیر مرور کرد تا شاید درس‌هایی اساسی‌تری گرفته شده و تجدیدنظری در رویکردهای خوشبینانه حاصل شود.



کشاندن مردم علیه یک سیستم و نظام معنوی بهره می‌گیرند، گفت: «راه اصلی، فعال کردن گسل‌ها و شکاف‌هاست. دشمنان نظام اسلامی ۱۰ سال پیش از فتنه ۸۸، یعنی در سال ۷۸ این مساله را آزمودند اما از آنجاکه این گسل‌ها آماده بهره‌برداری نبود این کار بی‌نتیجه و ناکام ماند اما در سال ۸۸ مهم‌ترین گسلی که از آن بهره‌برداری شد، گسل فعال برخی خواص و نخبگان بود.» این کارشناس مسائل سیاسی و فرهنگی می‌افزاید: «برخی حسادت‌ها و قدرت‌طلبی‌ها، کینه‌ها و رزخم‌ها، اشرافی‌گری‌ها و نفسانیت‌های بعضی از خواص، شکافی میان آنان و جمهوری اسلامی ایجاد کرد و به همین دلیل درصدد آن برآمدند که به هر قیمتی، حتی به یغما بردن آبروی نظام جمهوری اسلامی و اقامه اتهامات بی‌سابقه و عجیب و غریب به این نظام و ظلم عظیم به آن، کار خود را در مسیر نیل به قدرت پیش ببرند.»

مقدم‌فر تأکید می‌کند: «همان‌طور که در بخش اول عرض کردم، هیچ نیازی به وابستگی مستقیم آنها به سرویس‌های بیگانه نبود؛ مگر طلحه و زبیر با آن سابقه عظیم مساله‌شان ارتباط با بیگانه بود؟ یا مگر برخی دیگر از این سقوط‌کردگان در تاریخ همگی مزدور سرویس‌های بیگانه بوده‌اند؟ گاهی نفس شیطانی کاری می‌کند که هزاران سرویس بیگانه نمی‌توانند انجام بدهند. در ماجرای فتنه ۸۸ نیز نفس شیطانی آنان کاری کرد که همه وجود و هم و غم‌شان در راستای برنامه‌ها و خواست شیطان اکبر قرار گرفت.»



ولایتی در واکنش به مصوبه اخیر سازمان همکاری‌های اسلامی:

بیت المقدس غربی و شرقی
خلاف نظر جمهوری اسلامی است

اسلامی در پاسخ به پرسشی درباره طرح ارتش مشترک میان کشورهای اسلامی، اظهار داشت: «این طرح نیاز به هماهنگی در عرصه بین‌المللی دارد و به راحتی نمی‌توان درباره آن تصمیم گرفت. آنچه مسلمانان و حامیان فلسطین را به پیروزی می‌رساند ایستادگی و حضور مردمی در صحنه مبارزه و شکل‌گیری مقاومت بوده است.» ولایتی خاطرنشان کرد: «الگوی بسیج ایران در همه جا کارایی دارد و حشد الشعبی و حزب... نیروهای مردمی بودند که در صحنه مبارزه وارد شدند.» وی درباره صحبت‌های اخیر وزیر امور خارجه عربستان و احتمال اطلاع سعودی‌ها از تصمیم ترامپ درباره قدس گفت: «یک بار در دهه ۱۳۵۰ سفارت کشورشان را به قدس بردند و بعد از اینکه مقاومت عمومی مسلمانان ایجاد شد همه برگشتند. امروز نزدیک‌ترین عامل آمریکا هم به آمریکا انتقادی‌می‌کنند و عادل الجبیر گفته‌است تصمیم ترامپ غیرهوشمندانه بود.»

دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی افزود: «زمینه‌ای که در سرزمین‌های اشغالی ایجاد شده بی‌سابقه است و عکس سران عرب را در کنار ترامپ و نتانیاهو حتی در الجزایر و تونس هم به آتش کشیدند و پیش‌بینی می‌شود این موج خاموش نمی‌شود و آتش به انبار باروت زدن است.» ولایتی درباره طرح رفتارندوم در فلسطین اشغالی و طرح هر فلسطینی یک رای گفت: «این طرح مهمی است که رهبر معظم انقلاب آن را مطرح کردند لیکن آنچه امروز مهم است ایستادگی در حد انقضاضه است تا طرف‌های مقابل بدانند که راهی جز دادن حق مردم فلسطین ندارند و ساکنین اصلی فلسطین باید نوع حکومت خود را انتخاب کنند.» وی درباره سفر محمود عباس به تهران و تکذیب این خبر گفت: «من اطلاعی از منشأ این خبر ندارم اما تا جایی که می‌دانم چنین تصمیمی در کشور برای سفر محمود عباس گرفته نشده بود.» دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی درباره قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل درباره نسل‌کشی میانمار نیز گفت: «سیاست ما محکومیت نسل‌کشی میانمار است چرا که صرف داشتن دین دیگر نباید شاهد این بلاها باشیم. کاری که میانمار کرده با جنایت رژیم صهیونیستی فرقی ندارد.»

ولایتی درباره اتهام ارسال موشک از طرف ایران به نیروهای مردمی یمن گفت: «در یمن کسی که مداخله مستقیم کرده برخی کشورهای مرتجع هستند و ما تنها کمک سیاسی کردیم. جمهوری اسلامی بارها تلاش کرد که کمک‌های انسان دوستانه ارسال کند.» وی افزود: «هواپیماهای عربستان، یمن را هر روز بمباران می‌کنند و حتی حامیان سینه‌چاک عربستان هم با این سیاست مخالفند و این همه وحشی‌گری و حملات ددمنشانه و محاصره غیرانسانی‌روش جاهلیت است.» دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی در پایان درباره نقش مصر در مساله فلسطین و احتمال رازینی ایران با مصر و گشایش در روابط دو کشور، گفت: «مردم مصر همواره ستون محکم دفاع از فلسطین بودند و در جنگ‌های اعراب با اسرائیل در گذشته محور مقاومت مردم مصر بودند و جایگاه مهمی داشتند. اما اینکه دولت مصر چه تصمیمی دارد، اطلاعی ندارم.»

اصل مطلب

پشیمان کی بودی تو!

این روزها صحبت از پشیمانی بابت نوشتن نام حسن روحانی در برگه رأی به صندوق انداخته شده حسابی به نقل محافل تبدیل شده و کمپین‌های پشیمان‌نیستیم را به‌ویژه در فضای مجازی داغ کرده است. برخی‌ها می‌گویند پشیمانیم چون تخرم مرغ گران شده، پشیمانیم چون مشکلات اقتصادی مان بیشتر شده، پشیمانیم چون نان و بنزین و... گران می‌شود. در همین راستا سخنگوی دولت به تازگی نسبت به ایجاد این کمپین‌ها در شبکه‌های مجازی واکنش نشان داده و می‌گوید: «اینهایی که گفته‌اند ما پشیمان هستیم کی رای داده‌اند که حالا پشیمان هستند.» در این رابطه باید گفت‌ای کاش پشیمان‌ها همان روز انتخابات با برگ رای خود سلفی می‌گرفتند و بعد رای‌شان را به صندوق‌ها می‌انداختند. شاید در این صورت پاسخ دادن به آقای سخنگو قدری راحت‌تر می‌شد.